سنت

عقاید طهرانی‌های قدیم

آریا شیروانی

■ فرهنگ و آداب و رسوم و عقاید و سنن هر مردمی نشان از خلقیات و در کل هویت انسانی آن مردم در مقاطع زمانی خاص دارد. در زمان طهرانی‌های دوره قاجار یکسری سنن و عقاید بر زندگی مردم حکمفرما بود که حکایت چندین مورد از آنها خالی از لطف نیست.

این موارد را بخوانید و البته خرافات را هم میان آنها تشخیص دهید.

– **بانگ مرغ و خروس:** اگر خروسی بی‌وقت صدا می‌کرد تهرانی‌ها می‌گفتند اهل خانه را به جنگ دعوت می‌کند و اگر مرغی بی‌هنگام بانگ برمی‌داشت عقیده داشتند که مرگ صاحبش را می‌طلبد و در هر صورت هم خروس و هم مرغ را می‌کشتند.

– **آفتاب و باران:** اگر هوا آفتابی بود اما باران می‌بارید تهرانی‌ها عقیده داشتند گرگ بچه می‌گذارد و اطفال‌شان را از زیر باران کنار برده و بازی کردن آنها را ممنوع می‌کردند و به صورت‌شان آب می‌زدند که ترسو و بی‌آزار بشوند.

– **رعد و برق:** طهرانی‌های قدیم، رعد را شلاق جبرائیل می‌دانستند که به تن شیطان می‌زند و برق را هم به دلیل جای سرخی و کبودی شلاق روی بدن شیطان می‌دانستند.

– **ریختن چای و قهوه روی لباس:** اگر روی لباس طهرانی‌ها، چای و قهوه می‌ریخت به معنای این بود که جامه نو می‌پوشند و زن نو می‌گیرند یا اینکه صاحب فرزند می‌شوند، سفر می‌کنند و سود می‌برند.

– **شکستن چیزی به صورت اتفاقی:** اگر به طور ناگهانی، ظرف و ظروفی می‌شکست به معنای آن بود که برای صاحب ظرف، طعامی به دستش می‌رسد یا اینکه به عزت می‌رسد و خوشحالی می‌بینند.

– **زوزه سگ:** اگر زوزه سگی را هنگام شب می‌شنیدند، خبر از خصومت، فساد و ترس می‌دانستند.

– **لقمه در گلو گیر کردن:** اگر لقمه‌ای در دهان مردم گیر می‌کرد به این معنا بود که در آینده به آن فرد سوغاتی داده می‌شود.

– **گرد و غبار ناگاه:** اگر به طور اتفاقی گرد و غبار وارد خانه طهرانی‌ها می‌شد خبر از بخت، خوش، شادی و روزی به خانه بود.

– **عطسه خواب:** اگر طهرانی‌ها در هنگام خواب عطسه می‌کردند بدین معنا بود که شادی، هدیه، نقل مکان، سعادت، جاه و مال به دست می‌آورند.

– **دیدن خرگوش کشته شده:** اگر مردم می‌دیدند

که خرگوشی کشته شده و در کناری افتاده، به این معنا بود که خبر ناگواری به بیننده می‌رسد یا اینکه اموالش در آتش می‌سوزد.

– **سوار شدن کفش:** اگر دو جفت کفش روی هم می‌نشست آن را دلیل سفر نزدیک صاحب کفش می‌دانستند و به هر سمتی که روی هم بود، سفر را هم به آن جهت می‌گفتند.

– **قیچی:** قیچی باز در خانه طهرانی‌ها به معنای اسباب منازعه بود که موجب مرافعه و افتادن قیچی از بلندی باعث تهمت و گم شدن قیچی به معنای انجام دادن کار خوب بود.

– **ناخن گرفتن:** طهرانی‌ها گرفتن ناخن دست و پا در یک زمان را موجب غم و در شب باعث دلتنگی می‌دانستند و بهترین قاعده آن بود که ناخن دست و پا را که می‌گرفتند در پاشنه در خانه دفن بکنندو این کلمات را به زبان بیاورند: غم برو، شادی بیا، محنت برو، روزی بیا.

– **احکام کفش:** اگر کسی کفش نو برایش تنگ درمی‌آمد، برای او اوقات تلخی را پیش‌بینی می‌کردند. اگر کفش برای زن بود به معنای آن بود که شوهرش از او رو برمی‌گرداند و اگر کفش گشاد بود باعث بی‌علاقه‌گی شوهر می‌شود و اگر قالب و اندازه کفش برای زن مناسب بود، سفیدبختی و عزت و شیرینی زندگی و قبول قول همسر را می‌رسانید. همچنین اگر کفش به سرقت می‌رفت باید منتظر اتفاق ناگوار می‌بودند.

– **پریدن مگس در گلو:** اگر در سر برج اول سال مگس وارد گلوی فردی می‌شد باعث سرور، بهجت و سعادت شخص می‌شد و اگر در دیگر برج‌ها بود باعث جنگ، منازعه و مقاتله می‌شد.

– **افتادن کلاه و عمامه به طور اتفاقی:** اگر کلاهی به طور ناگهانی از سر کسی می‌افتاد باعث شادی، مال، جاه و خوشحالی صاحب کلاه بود و اگر به ناگاه عمامه‌ای از سر شخصی به زمین می‌افتاد باعث غم و سفر بی‌هنگام و خصومت ارزیابی می‌شد.

– **فریاد جغد:** اگر فریاد جغد به گوش طهرانی‌ها می‌رسید به معنای خیر، خوشحالی و نکاح بود، اما اگر در برج اسفند فریاد به گوش می‌رسید به معنای غم بی‌پایان و مرگ عزیز و از دست دادن دوست بود.

– **خاریدن کف دست:** اگر از سعد و نحس بروج اثر می‌گرفت باعث نفع فرد می‌شد و بی‌گمان به وی پول زیادی می‌رسد یا برعکس پول و مالی از دستش بیرون می‌رفت یا دچار خصومت و دشمنی می‌شد.

گنجینه‌ای در دل تاریخ

قصر شاهی که خود را صاحب یک قرن می‌دانست

فرزانه نیکروح متین

اگر در یک صبح بهاری می‌خواهید به یکی از مناطق قدیمی و خوش آب‌وهوای تهران بروید، باغ نیاوران را به عنوان یکی از سه باغ ییلاقی در شمال تهران می‌توانید انتخاب کنید؛ باغی با درختان کهنسال که ریشه در تاریخ پایتخت دارد؛ باغی که شاهد صدور فرمان مشروطیت، وداع آخرین پادشاه قاجار و سلطنت پهلوی بوده است. در این باغ از لابه‌لای درختان سر به فلک کشیده می‌توان صدای پرندگان مختلف را شنید. فارغ از هرگونه آلودگی صوتی، این باغ سه کاخ تاریخی و ارزشمند را میان درختان کاج، چنار، نارون، بلوط، سپیدار، افرا، فندق، گردو، سیب و بسیاری از گونه‌های دیگر در خود جای داده است.

باغی به نام نیاوران

حدود ۲۰۰ سال گذشته در شمال تهران، روستایی به نام «گرده به» یا «گرده وی» وجود داشت که در درونش نیزاری قرار داشت که مورد توجه فتحعلی‌شاه قاجار قرار گرفت و دستور داد به جای نیزاری که در روستا قرار داشت، باغی مصفا بسازند بدین ترتیب نیزار را خشکاند و باغی در آن احداث کرد و نام آن را نی‌آوران نهاد که بعدها به نیاوران منسوب شد. اولین بنای ساخته شده موسوم به کاخ صاحبقرانیه در ضلع جنوبی باغ است و آخرین بنای به جا مانده از دوران قجر متعلق به احمدشاه به نام کوشک احمدشاهی است که در مرکز آن قرار داشت و در قسمت شرقی آن کاخ نیاوران با طرحی ایرانی و مدرن از دوران پهلوی دوم پابرجاست.

کاخ صاحبقرانیه در گذر زمان

حدود ۱۵۰ سال پیش، ناصرالدین‌شاه، حاج‌علی‌خان حاجب‌الدوله را مامور کرد بنایی در باغ نیاوران بسازد که پس از نخستین قرن پادشاهی ناصرالدین‌شاه (در آن زمان هر ۳۰ سال یک قرن محسوب می‌شد) این بنا به دستور شاه که خود را صاحب یک قرن می‌دانست «صاحبقرانیه» نامیده شد. این کاخ از ابتدا اختصاص به خوابگاه، اندرون و حرامسرای ناصری داشت که هر کدام از زن‌های حرم صاحب چهار اتاق و یک ایوان بودند که از زمان مظفرالدین‌شاه به بعد حرمسرای کاخ محدود شد. جالب است، بدانید ارزش این کاخ بیش از بنای آن به امضای فرمان مشروطیت در یکی از سالن‌های این عمارت است که به امضای مظفرالدین‌شاه رسید. پس از سقوط قاجاریه و روی کار آمدن سلطنت پهلوی اول صاحبقرانیه مدتی به دست فراموشی سپرده شد چرا که رضاخان در آن دوران مشغول ساخت‌وسازهای کاخ سعدآباد بود و نخستین بار در سال ۱۳۱۸ هـ.ش رضاخان به دلیل ازدواج محمدرضا پهلوی با فوزیه تصمیم گرفت به آماده‌سازی این کاخ برای پذیرایی از میهمانان بپردازد و برای اولین بار به تغییر دکوراسیون عمارت دست زد، مبلمان کاخ را عوض کرد و تعدادی از فرش‌های گرانبهای کاخ گلستان را به این مکان انتقال داد.

در زمان سلطنت پهلوی دوم، تزئینات معماری داخلی کاخ دوباره دستخوش تغییرات عمده شد. به دستور فرح‌دیبا، تغییرات اساسی در قسمت‌های داخلی بنا و دکوراسیون آن ایجاد شد که بر پایه این تغییرات، طبقه همکف یا زیرین به نام «حوضخانه» برای پذیرایی مهمانان خصوصی و طبقه دوم به عنوان دفتر کار محمدرضا پهلوی مورد استفاده قرار گرفت. این بنای تاریخی در سال ۱۳۳۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و در سال ۱۳۷۷ به عنوان موزه کاخ صاحبقرانیه بازگشایی شد.

حدود ۱۵۰ سال پیش، ناصرالدین‌شاه، حاج‌علی‌خان حاجب‌الدوله را مامور کرد بنایی در باغ نیاوران بسازد که پس از نخستین قرن پادشاهی ناصرالدین‌شاه (در آن زمان هر ۳۰ سال یک قرن محسوب می‌شد) این بنا به دستور شاه که خود را صاحب یک قرن می‌دانست «صاحبقرانیه» نامیده شد

بنای کاخ تلفیقی از معماری مدرن و سنتی است که نظیرش در تهران بسیار اندک است. تمام پنجره‌های کاخ به صورت ارسی و با معماری چلیپا ساخته شده است. در کنار در ورودی کاخ ماشین قدیمی از دوران مظفرالدین‌شاه که به صورت دست‌ساز و نمایشی ساخته شده است چیز جالب توجهی برای عکاسان و بازدیدکنندگان مخصوصا توریست‌ها فراهم کرده است.

طبقه گفته روابط عمومی کاخ، اکثر بازدیدکنندگان این موزه ایرانی هستند و در هفته بین ۱۰ تا ۱۵ توریست از این مکان بازدید می‌کنند.

حوضخانه

حوضخانه که در طبقه زیرین یا به عبارتی همکف قرار گرفته است در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، سفره‌خانه وی بوده که روی فرش، سفره‌ای بزرگ پهن می‌شده است و ناصرالدین‌شاه در ابتدای سفره و در اطراف‌اش زنان حرمسرامی‌نشستند.

از این جهت به این بخش حوضخانه می‌گویند که در وسط بنا حوضی قرار گرفته که اطراف آن را مبلمان دربرگرفته است. از موارد قابل توجه و ارزشمند این بخش، حجاری‌های شاه‌نشین شمالی است که یکی از داستان‌های عاشقانه منطق‌الطیر عطار نیشابوری به نام داستان شیخ‌صنعان و دختر ترسا که روی سنگ نقر و حجاری شده است.

از دیگر اشیای قیمتی و تاریخی مورد توجه در این قسمت تابلوی نقاشی حوضخانه اثر کمال‌الملک و جارکریستال ۷۲ شاخه است که از طرف ملک فاروق، پادشاه مصر به دربار ایران به مناسبت ازدواج خواهرش با پهلوی دوم اهدا شد که ارتفاعی حدود چهار متر دارد و از آثار کارخانه باکارای فرانسه است. کالسکه نقره قلمزنی‌شده و کجاوه ناصرالدین‌شاه و صندوقچه چوبی و لاکی از اواخر دوره زندیه از دیگر اشیای باارزش حوضخانه است. این طبقه از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ به دستور همسر پهلوی دوم مورد بازسازی قرار گرفت که هر یک از اتاق‌های آن به صورت جنبه نمایش و نمادین ساخته شد تا میهمانان خارجی را با فرهنگ سنتی ایران آشنا کنند از جمله کرسی‌خانه، اتاق آثار چوبی و لاکی، اتاق خاتم که مختص وسایل اختصاصی پهلوی اول است که از کاخ مرمر به صاحبقرانیه انتقال داده شده است، اتاق چایخانه که روی دیوارهای آن ابیاتی از شاعران ایرانی حافظ، مولوی، سعدی و... به انتخاب فرح‌دیبا به صورت طلاکوب حجاری شده است. تمام سرستون‌ها و سقف‌های منقوش که متعلق به قرن ۱۲هـ.ق است که همسر شاه مخلوع از خانه‌های قدیمی در اصفهان و شیراز خریداری کرده بودو به سقف‌ها نصب شده است. در کنار چایخانه، اتاقی دیگر قرار دارد که خالی از هرگونه اشیا و اثاثیه است که تا دو سال گذشته این اتاق هم نیز مانند سایر اتاق‌های دیگر این بخش دارای اشیای قیمتی بوده است. از دیگر موارد جالب توجه در سالن حوضخانه، میز و صندلی‌های پذیرایی برای میهمانان است که برای جشن‌های ۲۵۰۰ساله شیراز توسط کشور فرانسه ساخته شده و در شیراز مورد استفاده قرار گرفته شده است.

طبقه اول، سرسرای غربی

در هنگام ورود به این بخش با دو تابلو بزرگ شاهزادگان قاجاری بر دیوارهای شمالی و جنوبی روبه‌رو می‌شوید که اثر عبدالله قاجار به نام «صف سلام فتحعلی‌شاه» است. از دیگر نقاشی‌های قدیمی پرتره ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و پزشک‌اش است که کمال‌الملک آنها را به تصویر درآورده و در تابلوی آخر چشمان پزشک مظفرالدین‌شاه به گونه‌ای نقاشی شده که بازدیدکننده در هر طرف نقاشی چه غرب چه شرق و چه گوشه قرار گیرد، گویا چشم‌های این اثر به بازدیدکنندگان زل زده است.

از دیگر نقاشی‌های برجسته تابلو فتح تهران است که ورود ولی‌خانه تنکابنی و حاج‌علی قلی‌خان، سردار السعد بختیاری به تهران را نشان می‌دهد که متاسفانه نقاش آن ناشناس است.

تالار آینه (جهان‌نما)

این تالار در قسمت مرکزی بنا شده است که دارای دو شاه‌نشین شمالی و جنوبی است و هر دو طرف آن دارای پنجره است که از شاه‌نشین شمالی به سمت کوه‌های شمیران و از جنوب به جلگه تهران باز می‌شود. وجه‌تسمیه این تالار به جهان‌نما به این دلیل بوده که در قسمت شاه‌نشین جنوبی آن، پنجره‌ای که باز می‌شد تا اطراف جنوب تهران دید داشته، به‌طوری که می‌گفتند حتی حرم حضرت عبدالعظیم(ع) از آن مشخص بوده است و ناصرالدین‌شاه مدام اظهار می‌داشت که انگار جهان زیرپای من است که به تالار جهان نما معروف می‌شود. آینه‌کاری‌ها از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز و در زمان مظفرالدین‌شاه به پایان می‌رسد. در این تالار مراسم سلام و شرفیابی‌های شاهانه و دیدارهای رسمی برگزار می‌شد. در همین تالار بوده که فرمان مشروطیت را مظفرالدین‌شاه صادر می‌کند. جالب است بدانید دکتر مصدق نیز مدت کوتاهی در این تالار به امور مملکت می‌پرداخت. از آثار چشمگیر این قسمت از بنا، گلدان‌های اهدایی از چین و فرانسه به دربار قاجار و پهلوی، ماکت دو برج اهدایی از نیکسون و تندیسی از علیرضا برادر پهلوی دوم است قسمت جنوبی این تالار با تفنگ‌های سرپر فیتیله‌ای، سپر طلاکوب و کلاهخود اصفهانی و دو خنجر فولادی ساخت فرانسه، دو قبضه شمشیر، دو سپر که با پوست کرگدن تزیین شده به دیوار آویخته شده است.

اتاق جنگ

این اتاق در قسمت شرقی عمارت قرار دارد که برای انجام مذاکرات نظامی پهلوی دوم مورد استفاده قرار می‌گرفت که توسط سلاح‌های اهدایی، نشان زرین فضانوردان و سه نشان اهدایی از ملکه الیزابت به پهلوی دوم تزیین شده است.

تمام دیوارهای این اتاق ضد صدا، پنجره‌ها ضد گلوله و درها دوجداره است.

اتاق دندانپزشکی

این اتاق در ضلع شمال‌غربی تالار آینه و ضلع شمالی بنا قرار دارد. تجهیزات دندانپزشکی ساخت کشور آلمان است که در زمان پهلوی دوم به این محل آورده شده که تنها خانواده پهلوی دوم حق استفاده از آن مکان را داشتند.

حمام

این اتاق در ضلع شمال‌شرقی تالار آینه و ضلع شمالی بنا قرار دارد. تمام سرویس شیرآلات آن از برنز ساخته شده و حوله‌ها ساخت کشور فرانسه است که دو گلدان فرانسوی در در ورودی آن به چشم می‌خورد.

عکس: میلاد پیامی، شرق

اتاق هدایا

این اتاق در ضلع‌جنوب شرقی تالار آینه و ضلع جنوبی عمارت واقع شده است که جهت نگهداری آثار اهدایی به میهمانان شامل قالیچه‌های نفیس، آثار قلم‌زنی و صنایع دستی ایران استفاده می‌شود.

سرسرای شرقی

این بخش در قسمت شرقی بنا شده است که محل ورود و خروج میهمانان خارجی دربار به شمار می‌رفته است. در این محل مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی ارزشمندی دیده می‌شود که شامل نقاشی تنگه بسفر اثر فرانسوا ژرژ پی‌ام، گله گوسفند اثر فرانس کیلهوف، ساحل اثر پیردو کلودساو، مادر و فرزند که با نورپردازی‌های هنرمندانه توسط بازی با رنگ‌ها، گوی چراغی درون تابلو روشن کرده است که مکتب هنر هلند را نشان می‌دهد.

همچنین در این سرسرا، تندیس از ونوس، الهه زیبایی روم باستان از جنس سنگ مرمر وجود دارد و یک گلدان چینی که با تصویری از خاندان پهلوی دوم از طرف برژنف، رییس‌جمهور سابق روسیه به دربار پهلوی اهدا شده که نوع چیدمان این گلدان به‌صورتی است که تصاویر برای بازدیدکننده غیرقابل دید است. پس از گشتی در کاخ صاحبقرانیه که با سه اتاق خالی از اثاث و اشیا مواجهه شدم و علتش را از راهنمای کاخ پرسیدم در پاسخ گفت: «تنها از کاخ صاحبقرانیه ۱۴۰۰ جنس در انبار باغ نیاوران موجود است؛ به دلیل آنکه ممکن است در کاخ مورد سرقت قرار گیرد که این شامل قاشق و چنگال و ظروف طلا که در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله استفاده شده است، ساعت‌های طلای شاه و ملکه مخلوع همچنین نقاشی‌های فرح دیبا است.» وی در پاسخ به سوالم که کنترل در انبار به چه صورت انجام می‌گیرد، ادامه داد: «نگران نباشید، در انبار بیش از اینجا مورد کنترل و مرمت قرار می‌گیرند.» در آخر از او پرسیدم شما در چه رشته‌ای تخصص دارید به سوالم خندید و گفت: «لیسانس برق دارم.»

برگی از تاریخ

اولین خیابان های آسفالت در طهران

■ کلمه خیابان در لغت‌نامه دهخدا به معنای راسته و راهی است که در میان باغ و چمن می‌سازند. در حالی که دو صف درختان در دو طرف آن ایجاد می‌کند و آسفالت نیز به معنای خاک قیردار و مخلوطی از شن و ماسه درشت و ریز و قیر است که برای پوشش خیابان، جاده و سطوح دیگر به کار می‌رود. در نقشه‌های چاپ‌شده در تهران قدیم تا سال ۱۲۷۵ه‌ق هیچ اثری از نام خیابان موجود نیست بلکه هر چه هست نام‌های گذر، بازارچه، راسته و دروازه است. در ۳۵ سال بعد، طبق نقشه ترسیمی برای نخستین بار اسم خیابان ثبت شد. تمام گذرگاه‌های طهران قاجار نیز متشکل از کوچه‌های تنگ و باریک و نامنظمی بود که با خاک پوشیده شده بود به‌طوری که حتی کالسکه و درشکه به سختی از این گذرها عبور می‌کردند. البته نخستین بار در دوران صدارت امیرکبیر برخی از کوچه‌های قلعه ارگ سنگفرش شد که برای عبور کالسکه و درشکه مناسب بود. بعدها در دهه‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، «شوسه» که طریقی برای آماده‌سازی سطح معابر جهت عبور راحت درشکه، کالسکه و...بود وارد عرصه گذرگاه‌سازی پایتخت شد، اما همچنان خبری از «آسفالت» کردن خیابان‌ها نبود. بعد از سقوط سلطنت قاجار و روی کار آمدن پهلوی اول تا سال ۱۳۱۰ نیز هنوز هیچ خیابانی آسفالت نشده بود تا اینکه به علت ورود پادشاه وقت عربستان، ملک فیصل، بلدیه (شهرداری) تهران به تکاپو افتاد و آسفالت را وارد خیابان‌های تهران کرد. نخستین خیابان‌هایی که آسفالت شد عبارتند از: خیابان باب همایون، میدان توپخانه و لاله‌زار که بعدها خیابان باغ شاه (امام‌خمینی کنونی) و خیابان پهلوی (ولیعصر کنونی) به سایر خیابان‌های آسفالت شده، اضافه شد و بدین ترتیب آسفالت به تمام شهرها و جاده‌های کشور کشیده شد.

خاطره‌ای از رضاخان در باب آسفالت‌سازی

در کتاب خاطرات سلیمان بهبودی، گماشته و محرم‌دار رضاخان آمده است: روزی در جلسه وزیران، در کاخ مرمر، رضاشاه می‌گوید: «من می‌دانم در خیابان یا شهری که می‌خواهند آسفالت کنند اول باید کابل برق و کابل تلفن و حتی مجرای فاضلاب بسازند و بعد آسفالت کنید اما ما که پول نداریم و از عهده آن برنمی‌آییم. آخر دنیا به ما چه می‌گوید، ما نباید منتظر پول کابل‌کشی شویم و باید همه خیابان‌ها را آسفالت کنیم. بعد وقتی پول پیدا کردیم، آسفالت را می‌کنیم، کابل تلفن می‌کشیم و باز آسفالت می‌کنیم. بعد وقتی پول پیدا کردیم، آسفالت می‌کنیم و کابل برق می‌کشیم و الی آخر.»

برگرفته از کتاب برگه‌هایی از تاریخ تهران

جدول ۱۲۳۰

افقی:

۱- عنوان سال ۱۳۹۰ – عددی مجهول بین سه تا نه ۲- شهری در شهرستان قصر شیرین – پربار و سنگین ۳- سودای ناله – وسیله‌ای در حمام – زنگ بزرگ کاروان ۴- بی‌چیز و فقیر- شکاف وسیع میان دو کوه – دختر کوروش ۵- مایل و کج – وصل – شاعر فرانسوی از پیشگامان سمبولیسم ۶- برنامه عادل فردوسی‌پور – مرکزی – دشمن فرشته ۷- قوم ایرانی ساکن تاجیکستان – از واحدهای صدا و سیما – نصف مردم! ۸- مدیریت – صورت قانونی داشتن ۹- ضمیر چهارم – عالی و برجسته - فرآیند پذیرش شکست ۱۰- معبود – پلیس مخفی – رجل ۱۱- تغار چوبی – جلوه کردن – لقب امام پنجم (ع) ۱۲- فرزند زاده – چین و چروک پوست – کاشف گردش خون ۱۳- بدهی‌ها – سال گذشته – صدای گاو ۱۴- مرشد زورخانه – بی‌تزویر و یکرنگ ۱۵- خورشید و شمس – داستانی از «هانس کریستین آندرسن» نویسنده دانمارکی

عمودی:

۱- آرزو بر آنان عیب نیست – اثری از خواجوی کرمانی ۲- قرین «ماروت» – زبانه آتش – ضمیر خارجی ۳- سنگ آسیا – ملاقات – طرفدار ۴- گنجه و کمد – حب فرار! – چوب گازران و پتک آهنگران ۵- نام قلعه نوبی مربی سپاهان – پسر کیومرث پادشاه پیشدادی – کجاوه ۶- کوه افسانه‌ای سیمرغ – کشور اسلام آباد – کشتی جنگی ۷- علامت صفت تفضیلی – مذهب – نرده کنار ایوان – رسته ۸- بازیگر متواضع سینمای ایران! - سراسیمه و سرگردان عامیانه ۹- تخم مرغ فرنگی – صاحب هنر – دریوزه – حرف همراهی ۱۰- رنج – مدعی العموم – سالخورده ۱۱- توان – حس بساوایی – حافظه جانبی رایانه ۱۲- پیمان ناقلا – شب عرب و تیم فرانسوی – کم عرض ۱۳- شهر پیشین شمال خراسان و ترکمنستان کنونی – غمخواری – حرص و طمع ۱۴- بوی کهنگی – تندرست و نرم دل – نوشته شده ۱۵- ملاح و کشتیبان – از باجه‌های بانک

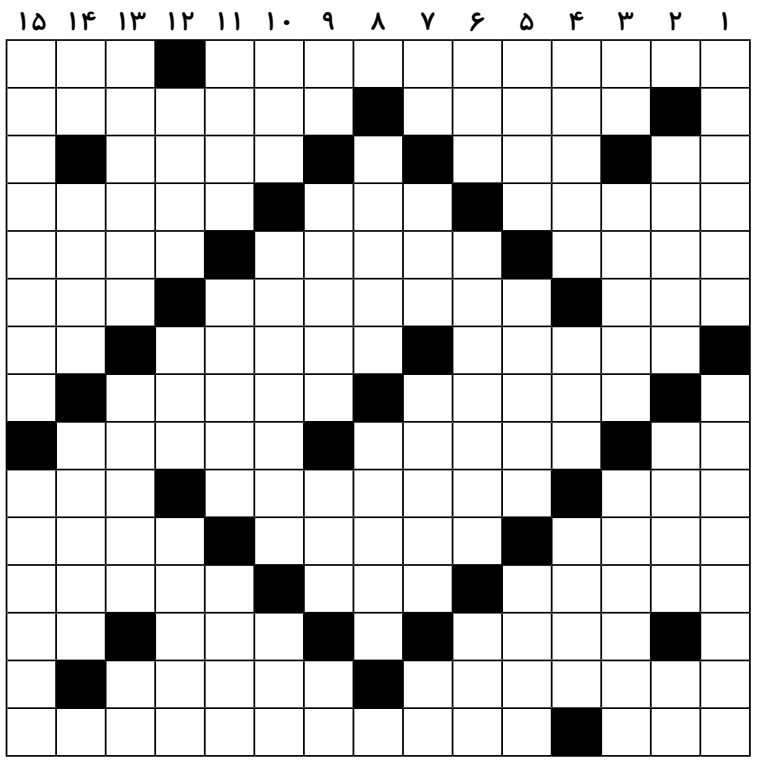

حل جدول ۱۲۲۹

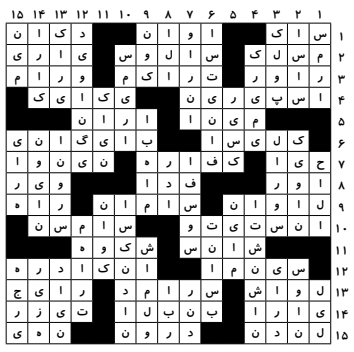

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۳۸

	۵		۶		۲		۷	
۷		۳		۸			۵	۲
				۷	۳	۹		
۱			۳				۴	۸
					۸			۶
		۶	۷			۵	۳	۹
۶			۲	۳				
	۹		۸					۵
		۸	۹			۴		

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۳۷

۲	۹	۱	۵	۸	۷	۳	۶	۴
۶	۳	۸	۹	۴	۲	۵	۷	۱
۵	۷	۴	۳	۶	۱	۸	۲	۹
۳	۴	۹	۶	۱	۵	۲	۸	۷
۱	۸	۶	۲	۷	۴	۹	۳	۵
۷	۵	۲	۸	۹	۳	۴	۱	۶
۹	۶	۵	۷	۲	۸	۱	۴	۳
۴	۲	۳	۱	۵	۶	۷	۹	۸
۸	۱	۷	۴	۳	۹	۶	۵	۲